

بسم الله الرحمن الرحيم

بحرانِ کوریا؛ بحران های اقتصادی را هشدار می دهد!

(ترجمه)



کسانی که تاریخ بحران بزرگ اقتصادی جهان را که در قرن گذشته و اکنون رخ داده است، مطالعه دارند، می دانند که آتش بحران را جنگ ها و نتایج آن و یا فضای سیاسی پر تشنج تهدیدات جنگی، شعله ور ساخته است. این یک حقیقت اساسی است که نظام سرمایه داری به دلیل این که بر اصول فاسد استوار است، از عقیده آن فساد نشأت می کند. این مبدأ علت اصلی تمام بحران ها و اشکال آن می باشد و هر لحظه آماده برای شعله ور شدن است؛ ولی جنگ ها و نتایج آن و یا فضای آکنده از تشنج و تهدیدات جنگی بین کشورها مانند "چوبک گوگردی" است که چوب خشک را شعله ور می سازد.

بحران سال ۱۹۲۹ م که به "رکود بزرگ" مشهور است، سبب اصلی به میان آمدن جنگ جهانی اول بود که به اثر آن هزاران کارگر بیکار شد، کارخانه جات بزرگ مسدود گردید و در نتیجه بازار سهام در "وال استریت" سقوط کرد و آتش آن خیلی مخرب بود. بحران سال ۲۰۰۸ م که به "بحران رهن عقاری" مشهور است؛ سبب آن نتایج جنگ های عراق و افغانستان بود که بر اساس تحقیقات دانشکده "واستون برای امور جهانی و عامه" که شامل دانشگاه "براون امریکا" می باشد، نشان می دهد: امریکا خسارات زیادی را متحمل گردید که به حجم ۷۹.۴ تریلیون دالر می رسد. این وضعیت از سال ۲۰۰۱ م شروع تا سال ۲۰۱۶ م ادامه داشت و تا اکنون شعله های آتش و خسارات آن خاموش نشده است.

امروزه همه جهان در آستانه ی یک بحران جدید قرار دارد؛ سبب آن رقابت های سیاسی بین دو غول پیکر: امریکا و چین و تهدیدات نظامی از طرف رؤسای جمهوری کوریا و امریکا است. این بحران شامل چندین امور می گردد؛ اولاً بازار مالی که به مثابه سیماب

ضعیف و به اندک فضای متشنج سیاسی و نظامی متأثر می‌گردد. امریکا و چین هردو تلاش می‌ورزند تا از بحران کوریا به نفع خود استفاده سیاسی و اقتصادی نمایند که امریکا اسلوب تهدید و ترس را در قبال کوریای شمال برگزیده است تا به بهانه ی آن قوت خود را در اطراف چین گسترش داده که آن کشور را در مضایقه اقلیمی قرار داده و نفوذ سیاسی خود را در سرزمین های همسایه کوریای شمالی؛ مانند: هند، چین، روسیه، جاپان مستحکم ساخته است.

امریکا توانست به بهانه ی خطرات کوریا شمالی و به حمایه جامعه ملل، تحریم های اقتصادی را علیه کوریا وضع و ازین تحریم ها در حق چین، بویژه تعرفه های گمرکی استفاده نماید. به معنی دیگر، امریکا توانست با استفاده از فضای بحرانی کوریای شمالی، جلو پلند پروازی و پیشرفت چین در محیط آرام را مهار کرده و بر آن دو کشور قیوداتی محکمی وضع نماید. امریکا توانست برای تقویه نفوذ نظامی خویش درین منطقه نیروی نظامی بیشتر، کشتی های بزرگ طیاره بردار را همراه با سه کشتی حامل موشک و کشتی های زیربحری به شبه جزیره کوریا بفرستد، و هم چنان توانست یک موشک ناو شکن ضد موشک را به بحر چین جنوبی ارسال نماید و هزارها عسکر خود را در پایگاههای نظامی در چهار طرف چین؛ مانند کوریای جنوبی و جاپان جاسازی کند.

اما چین ازین فضاء استفاده دیگری می نماید؛ تلاش دارد تا توسط یک کشور کوچک و کم امکانات نظامی؛ مانند کوریای شمالی، امریکا را نزد جهانیان کسرهیبت و رسوا سازد. هم چنان با استفاده از بحران، تلاش دار تا از زیاده ستانی امریکا جلوگیری کند و تلاش می ورزد تا بقیه کشورها را به هدف جلوگیری زورگویی و اشغالگری امریکا گرد خود جمع سازد؛ چنان چه چین هم، هزارها عسکر خود را به مرزهای کوریا شمالی به هدف جلوگیری خطرات امریکا ارسال کرده است.

مسئله آغاز جنگ نظامی مستقیم بین کشورهای صاحب اتم، در فضای امروزی امر بعید است؛ اما رقابت اقتصادی و سیاسی کار ممکن بوده و خطر آن از جنگ های داغ نظامی کم تر هم نیست. حقیقتاً هر صاحب بصیرتی که امور رقابت اقتصادی چین و امریکا را دنبال می کند، در میابد که این رقابت ابعاد مختلف را در بر گرفته است. چین یک کشور اقتصادی بوده و در مقابل امریکا رقابت اقتصادی می کند، از همین جهت معادل افت اقتصادی چین در حال گسترش است و حجم تجارت آن خیلی زیاد بوده و حتی حجم صادرات چین به داخل امریکا به ۳۵ درصد می رسد.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در گزارشی تاریخ ۱۳ دسمبر ۲۰۱۵م خود تذکر داد که با پیشرفت اقتصادی تا سال ۲۰۱۶م چین در مقابل امریکا جایگاه اول اقتصادی جهان را خواهد گرفت. از دید نظامی اگرچه چین برابر امریکا نیست؛ ولی یک کشور نظامی بزرگ محسوب گردیده و هزاربار از دید نظامی بالای آن حساب می شود. در طول دهه های گذشته امریکا توانست با استفاده از جایگاه نظامی، نیروی اقتصادی، سیاسی و قدرت خود، جلو پیشرفت اقتصادی اتحادیه اروپا را که در آینده خطری برای قدرت نقدی امریکا بود، بگیرد، و توانست اساس قوت این اتحادیه را به اثر تشویق خروج انگلیس ازین اتحادیه متزلزل سازد. هم چنان وحدت سیاسی آینده اروپا را نیز تخریب کرد، چنان چه قبلاً توانست جلوی پیشرفت اقتصادی و سیاسی اتحاد جماهیر شوروی را با

اتخاذ دام جامعه ملل و سیاست رقابت گسترش اسلحه بگیرد. برعلاوه آنان، دیگر موارد نیز وجود دارد که در امور سیاسی اتخاذ کرد.

امروزه چین تلاش دارد تا از سیطره امریکا بیرون بر آید، و امریکا تلاش جدی دارد تا سیطره خود را بر چین بقبولاند؛ چون به اثر بر آمدن چین از سیطره امریکا، مشکلات اقتصادی بشتر شده قدرت جهانی دالر مانند یک ارزش جهانی از بین خواهد رفت. چین توانست آهسته آهسته در موقف های بین الملل یک همتای امریکا بر آید که در رسم سیاست برای امریکا کشنده محسوب می گردد. چین خیلی تلاش کرد تا از تبعیت دالر برآید و تا اکنون این تلاش ادامه دارد. چندین بار پیشنهاد کرد تا یک "ارز" جهانی بجای دالر جایگزین شود که آخرین بار در نشست سران بیست در سال ۲۰۱۵م در ترکیه پیشنهاد کرده بود. شی جین پینگ رئیس جمهوری چین در جریان نشست کشورهای بیست در سال ۲۰۱۶م در چین اظهار کرد تا بنای اقتصادی جهانی باز گذاشته شده و موانع گمرکی تجاری برداشته شود.

اکنون چین تلاش دارد تا با استفاده از قضیه رقابت دو کوریا با تحریک رأی عام جهانی به ضد سیاست های امریکا در قضیه کوریا، جایگاه کسب کند، و تحت این فضاء از ضرر، سیطره و قدرت آن خود را بیرون بکشد. روزنامه رویترز به تاریخ ۱۴ اپریل ۲۰۱۷م از "وانگ یی" وزیر خارجه چین نقل کرده که وی در خصوص قضیه کوریا راه های حل سیاسی مسالمت آمیز و سلب سلاح هستوی از شبه جزیره کوریا را پیشنهاد کرده است. این روزنامه در ادامه گفته است: «قوت نظامی نمی تواند وضعیت شبه جزیره کوریا شمالی را حل سازد، و هر جناحی که وضع کوریای شمالی را تحرک می کند، لازم است تا مسئولیت آینده را نیز بپذیرد.» با وجود آن که امریکا توانست توسط جایگاه جهانی، قدرت سیاسی و اقتصادی و دایره نفوذ خود را بالای کشورهای چپان، هند، پاکستان، روسیه و کوریای جنوبی که در محیط چین حضور دارند، گسترش دهد، تلاش دارد تا خواست های چین را تحت کنترل خود در آورده و مکاسب سیاسی را بدست آورد. امریکا درین خصوص تا اکنون پیروز بوده و برای هدف سیاسی "مهاری چین و عدم خروج آن از دایره امریکا" دست به اعمالی زده است که از جمله برخی آن قرار ذیل اند:

۱- اتخاذ سیاست ارهاب و تشویق در قبال چین پیرامون قضیه کوریای شمالی: این سیاست به چین پیام می فرستد که امریکا می تواند هرگونه تحرک را در شبه جزیره کوریا، بحر چین و اطراف آن جلوگیری نماید.

۲- وضع تحریم های تجاری جدید بر چین و تهدید آن به وضع تحریم های تجارتی آن کشور در داخل امریکا از طریق بلند بردن تعرفات گمرکی.

۳- اتخاذ سیاست مسابقه اقتصادی و نظامی تسلیحاتی برای فرسوده کردن اقتصاد چین؛ چنان چه قبلاً با اتحاد شوروی این کار را کرد.

۴- آمریکا دست به بلند بردن فایده دالر زد و این سبب گردید تا چین به دالر موافقت نماید که در نتیجه خسارات تجارتي بزرگی را بالای چین آورد.

۵- مصروف ساختن چین در برنامه های رقابت تسليحاتی و فرستادن نیروهای چینی به خارج از آن کشور، تا درین راستا مصرف کند و سبب فرسوده شدن اقتصاد چین گردد.

در فضاء این زد و بندهای سیاسی و اقتصادی، بحران های بعدی انتهای پذیر نبوده و بعد از بحران اقتصادی، بحران عقاری ۲۰۰۸م دامن گیر آن شد، و امروزه اقتصاد جهانی در لبه تباهی قرار دارد؛ به ویژه امریکا از بحرانات داخلی رنج می برد. طوری که به تاریخ ۳۰ سپتمبر ۲۰۱۵م سطح قروض دولتی به ۲۰ تریلیون دالر می رسد، و سطح بیکاری در ۲۰۱۶م بالا رفته و ۷,۵ درصد مردم در داخل و خارج، بعد از زمام داری ترامپ به مشکلات دچار اند، و اولین بخش که متأثر شده است، بازار پولی است؛ حتی چند روز قبل به اثر فشار و تهدیدات کوریا بازار پول متأثر گردید. طوری که دیده شد، بعد از آن که کوریای شمالی در اوایل ۲۰۱۷م آب جزیره گوام امریکایی را هدف موشکی قرار داد، بازار پولی مطورم گردیده و ارزش شاخصه ای جونز ۶۲.۷۵ درجه معادل ۰,۳۴ درصد پایین آمد، باوجود بلندی فایده ی دالر، قیمت آن پایین آمده، قیمت طلا در مقابل دالر بلند رفته و قیمت بازار پولی جهان متزلزل گردید.

کشورهای حاکم بر جهان، به اثر وجود مبدأ حب المال و بدست آوردن آن از هر طریقی و لو به تباهی جهان منتهی گردد؛ از خود فقر و محرومیت و جنگ به میراث می گزارند، و آن چه جهان را ازین سیاست و حاکمیت کشنده و تباه کن و آن چه بازار مالی و بحران بیکاری را نجات می دهد، قرار ذیل است:

اول: نظامی است که بر اساس عدل و رحمت استوار باشد، نه حرص و حب المال.

دوم: وجود دولت مبدأی که با قوت خود عدل را حمل کرده و شر و استعمار امریکا را به چالش بکشد.

سوم: کار برای ایجاد نظام عادل جهانی، تا مردم آن را در مقابل ظلم و تکتازی امریکا بپذیرند، و ایجاد رأی عام برای این نظام در سطح جهان.

چهارم: کار برای گم کردن سازمان های جهانی ظالم مانند "سازمان ملل" و دیگر شاخه های جهانی اش که امریکا برای کنترل جهان از آن ها استفاده می کند.

پنجم: ایجاد نظام پولی درست که بر اساس منافع دول و حاکمیت دالر امروزی و یا دیگر نقود نباشد؛ بلکه بر اساس "ثبات" استوار باشد که آله دست و بازی سیاسی و منافع قرار نگیرد، و آن نظام پولی نظام طلا است که خودش دارای ارزش پولی و هم مال است.

به این طریق، جهان از بدبختی و شر نجات می آید؛ برابر است که امور سیاسی باشد یا اقتصادی یا تهدیدات جنگی باشد که بر منفعت استوار می باشد. از الله سبحانه و تعالی می خواهیم که امت اسلامی را به این گونه نظام کرامت بخشد تا این پیام خیر را به تمام جهان حمل نمایند و آن ها را از شر و وحشت نظام سرمایه داری و کشورهای حاکم نجات دهند؛ آمین یارب العالمین!

نویسنده: حمد طیب

۲۱ محرم ۱۴۳۹ ه.ق

۱۱ اکتوبر ۲۰۱۷ م